





در چشمه‌ی آفتاب

مجموعه مینیاتورهای دفاع مقدس

اثر: مهدی فرخی

با بهره‌گیری از اشعار دفاع مقدس

نوبت چاپ: اول / شهریور ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

گرافیک: محمد صمدی

ناظر چاپ: حمید علی‌غیاث

تهیه شده در: سازمان هنری و امور سینمایی دفاع مقدس

تهران / خیابان شهید بهشتی / خیابان شهید سرافراز / کوچه شهید حق پرست / شماره ۱۸ / طبقه سوم

تلفن: ۸۸۵۲۸۹۰۵ ۸۸۷۴۸۴۱۷



زین جامه بیا دل به کفن بسپاریم

مستانه به باد، پیرهن بسپاریم

بس تشنه و خسته‌ایم، وقت است به غسل

در چشمه‌ی آفتاب، تن بسپاریم

فیض‌امین پور

سیر تحول و تطور هنر نقاشی ایرانی نشان‌دهنده نظامی پیوسته و رو به تعالی است. هرچند که افت و خیزهای فراوانی به سبب تحولات اجتماعی و سیاسی یافته است، اما همواره مسیر شکوفایی این هنر، همگام با شعر و معماری و موسیقی و هنرهای صناعی به سوی نمایشی از جلوه‌های زیبای باطنی اشیاء مامور بوده است. ملتی که همواره دلبسته به حق بوده و به مظاهر سنگ و چوب سر فرود نیاورده و سعی کرد تا ارتباط خود را با جهان مینوی پاسداری کند در تمامی موارد معارف، این تجربیات معنوی را به ظهور رسانده است.



هنر نگارگری اسلامی ایران که سلسله پایدار خود را از هزاران سال تاریخ تصویری ایران به امانت برده است در عصر پرافتخار اسلامی، پالایش صوری و معنوی یافته و سیر کمالی خود را با ظهور استادان بزرگواری چون عبدالحی، غیاث الدین، کمال الدین بهزاد، سلطان محمد، آقا میرک و رضا عباسی و صدها هنرمند نگارگر در زمینه نگارگری، تذهیب، طرح و نقش فرش و هنرهای صناعی پیموده است. میراث سترگ این هنر در ادوار مختلف تاریخ ایران بصورت گنجینه‌ای برای نسل امروز ما و آیندگان باقی مانده است. از ویژگی‌های حیرت‌انگیز این هنر شریف، هویت مستقل اسلیمی و ایرانی آن است که در عین این هویت، زمینه ظهور عواطف و احساسات هنرمند را باقی می‌گذارد و از سوی دیگر توان ظهور تجربیات جدید و متناسب با شرایط زمان را داراست. این اصل سبب شده تا در تمامی ادوار نگارگری ایران مسیر تحول آن با حفظ سنت باز باشد و تا امروز ادامه یابد. آنچه در نگاره‌های استادانی همچون هادی تجویدی و محمود فرشچیان و سایر استادان معاصر دیده می‌شود، گواه همین قابلیت انعطاف‌پذیر نگارگری ایران است. فرخی از زمره نگارگران جوان و با استعدادی است که در عین مشق از آثار قدما و کسب تجربیات استادان معاصر، سعی می‌کند با روحیه و تفکر شیعی خود بیانی جدید در قالب این هنر یابد.

نگاره‌های فرخی دارای چند ویژگی است که می‌بایست با توجه به آنها به مسیر تجربیات او نگریست. از سویی وی سعی کرده تا با نمادهای فرهنگی شیعی آشنا شده و از آنها در آثار خود به وفور استفاده کند. از جانب دیگر روش بیانی وی متأثر از شیوه‌های گرافیکی است. در شیوه‌های گرافیکی، توصیف به حداقل رسیده، داستان‌سرایی کم شده، تزیینات کم می‌شود و بیان هنری صراحت بیشتری می‌یابد. این مسئله نباید با تجرید در هنر نقاشی یکی گرفته شود. بیان تجریدی نیز ظاهراً از روایتگری عاری می‌شود تا پیرایه‌های مضامین، خودنمایی خود را از دست بدهند و معنای موردنظر تجلی یابد. اما تجلی معنی به صورت ساده و برای هر فهم کوچکی قابل ادراک نیست. در مقام تجرید، معنی صورتی رمزگونه به‌خود می‌گیرد که هر کس بر اساس ظن خود از آن تفسیر می‌کند و البته همه این تفاسیر در مسیر همان حقیقتی است که هنرمند سعی در بیان آن دارد.

در نگاره‌های فرخی، نقش سرو به عنوان یک عنصر پایدار همواره دیده می‌شود. گرچه سرو از دیرباز در فرهنگ ایرانی مورد توجه هنرمندان بوده و در آیین و مراسم گوناگون به عنوان نمادی مفیدی به کار گرفته شده، اما در آثار فرخی سروها بسیار بلندقامت و گاهی اغراق آمیز می‌شوند و به تنهایی در یک صفحه خالی از هر نوع تصویر دیده می‌شوند. این سروها درون خود را نیز به نمایش می‌گذارند. که گاهی چنین می‌نماید که آنچه اصالت سرو را در این نگاره‌ها مطرح می‌کند، اتفاقاتی است که در درون آن در جریان است. این سروها در نمای بیرونی خود، سبز را که نماد ولایت است با جلوه‌ای از راست قامتی به نمایش می‌گذارند. آثار فرخی گاهی به مرز سورئالیسم نزدیک می‌شود. هرچند تمامی عناصر بصری و خصوصاً رنگ‌ها برگرفته از نگارگری ایران است. اما نوع بیان مضمون به فضایی مشابه سورئالیسم نزدیک می‌شود. اما اگر وجه ممیزه این آثار با صورت‌های مشابه در خارج از این حوزه هنر است، تقید به مضامین عرفانی، همراه با فضای لطیف برگرفته از هنر ایرانی است.

در برخی از نگاره‌ها، عنوان اثر یادآور واقعه‌ای است که در نگاه نخست توقع آن می‌رود که نگاره به صورت روایی ترسیم شود، اما مشاهده می‌شود در این نگاره‌ها نیز روایت در جلوه‌ای تجریدی و بازم به همان عناصر بیانی که در همه آثار هنرمند مشاهده می‌شود، بیان شده است. برخی از آثار فرخی، آنقدر به مرزهای تجرید نزدیکی می‌شود که با کمترین عنصر تصویری، بیانی گویا می‌یابد. نگارگری است. اما آنچه باید به مرور و در آینده شاهد آن باشیم پایدار است. طریق تجربه نیز می‌بایست آنقدر روشن باشد و از نظر تا مسیر هنری هنرمند مشخص تر شود. به نظر می‌رسد تلاش‌های لازمه تحول است آینده نیکویی را برای او فراهم خواهد آورد.

به‌رحال آثار فرخی در مسیر بازشناسی راهی نو در هنر نزدیک شدن تجربیات متنوع هنرمند برای طریقی محکم و بیان و شیوه کار هنری دارای استعداد و قابلیت تحول باشد هنری این هنرمند با متانت و سعه‌صدر وی و جسارتی

مهدی فرخی در سال ۱۳۵۹ در شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی به دنیا آمد و از همان آغاز کودکی به نقاشی علاقه مند بود. در دوران نوجوانی نگارگری را از حسین رزاقی در مشهد آموخت. وی علاوه بر آموختن مبانی و تکنیک‌های نگارگری در جست‌وجوی فضاهای نوین هنر نگارگری ایران بود. در این دوران، نوآوری‌های خود را با ورود به مرکز پژوهش و توسعه هنرهای سنتی خانه ملک (مشهد) در سال ۱۳۸۵ با خلق آثاری همچون پنج نور و مجموعه تصویرگری شاهنامه در معرض دید قرار داد.



مجموعه (نو نگاره‌ها) که در موزه امام‌علی (علیه‌السلام) و موزه رضا عباسی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به نمایش درآمد حاصل این دوره بود. در سال ۱۳۸۷ پس از مهاجرت به تهران به مکتب کمال الدین بهزاد نزد محمدعلی رجبی راه یافت و به تکمیل آموخته‌های خود پرداخت. مجموعه آثار عاشورا و مجموعه آثار دفاع مقدس حاصل این دوران است.

آثار وی عمدتاً واجد دو خصوصیت زیر است:

نخست اینکه از نقطه نظر مفهومی و ادبی، نقاش با دور شدن از روایتگری متنی، بیان روایی آن را به حداقل رسانده است، و به سوی نوعی روایتگری تصویری و استقلال آن از متن روی آورده است و آثارش را درگیر مفاهیم کلی‌تری چون شهادت، ایثار، عشق و موضوعات آرمانی کرده است. و دوم شیوه بیانی اوست که با بهره‌وری از ساختار و سامانه‌های ساده‌تری انجام می‌پذیرد و آثار او را از خصلت تزئینی نگارگری سنتی دور کرده است. این (ساده نگاری) امکان به‌وجود آمدن فضاهای خالص‌تر و مجردتری را به او داده است.

آثار فرخی به دلیل برخورداری از مفهوم فرامادی و به‌کاربری عناصر پویای بصری، چشم‌اندازی نوین و امیدبخش را فرا راه حیات هنری او گشوده است. در شناسایی زبان بصری وی می‌توان به چند معیار اشاره کرد که کارهای او را با وجود مشابهت قالب و فرم از سایر نگارگران هم‌عصرش متمایز می‌کند. این عناصر بصری حضوری مستمر و دائمی در آثار او دارد. که می‌توان به چند نمونه شاخص از آنها اشاره کرد.

مثل فرم بته‌جقه که به مثابه سامانه اصلی هویت بصری اثر، در بسیاری از نقاشی‌های او دیده می‌شود که گاه در فرآیند تحول به صورت حرکت گسترده بال فرشتگان تغییر فرم می‌دهد و یا به شکل سرو درمی‌آید که برگرفته از همان فرم بته‌جقه است. دیگر آنکه استفاده از فن‌آوری و ابزارهای جدید مثل قلم موهای صنعتی، رنگ‌هایی چون اکریلیک، کاغذهای بدون اسید، رنگ‌های الوان با رنگدانه‌های درخشان و کم‌یاب، فضای بصری او را غنی‌تر و تغذی‌تر کرده است.

ابعاد بزرگ آثار هم از دیگر مشخصات کار اوست که برای او امکان حرکت‌های پرتحرک دست و بدن را فراهم آورده است و قلم‌گیری‌های نرم خوش‌حرکت و محکم او را موجب شده است.

شرایط امروز عرصه پویای هنر این سرزمین توقع دارد که هنرمند نقاش نگارگر ایرانی بتواند به کشف عرصه‌های جدیدی از مفهوم زندگی و تصویر نائل شود. و با پاسداری از ریشه‌های عمیق فرهنگ دینی و سنتی خود به خلق آثاری بپردازد که از ویژگی هویت‌های بصری جهان‌شمول برخوردار باشد.

در هودج سرخ عشق بگذاریدش
از جبهه به دشت لاله‌ها آریدش
این پیکر پاره پاره خورشید است
در باغ شفق به خاک بسپاریدش

همایون علی دوستی

Put it on the camel red sit of love
Plain front of Aridash's Tulips
This torn ripped body is of the sun
Twilight in the Garden Soil
Buried in the dust of dawn

Homayoun Ali Dousti



The Spring Sun



The Shadow of Presence | 2009 | 60X82 cm

سایه‌ی حضور | ۱۳۸۸ | ۸۲ * ۶۰ سانتیمتر

زین جامه بیا دل به کفن بسیاریم
مستانه به باد، پیرهن بسیاریم
بس تشنه و خسته ایم، وقت است به غسل
در چشمه ی آفتاب، تن بسیاریم

قیصر امین پور

Come saddle my clothes to the shroud Leave
Drunken in the wind, wearing body clothe for a pledge
Very thirsty and tired, it is time to wash
In the Solar fountain to pledge our being

Gayssar Aminpou



The Spring Sun



Bloody body | 2009 | 59 * 88 cm

خونین تن | ۱۳۸۸ | ۵۹ * ۸۸ سانتیمتر

با روشنی سپیده نسبت دارد
مردی که بر این قبیله دل می‌بارد
روحي که طلایه‌دار صبح است هنوز
بر قامت سرد عشق جان می‌کارد

بهاره احمدی

With the dawn is clear
The man who falls on the tribes
I still scout spirit that is
I love the height of the cold knife

Bahareh Ahmadi



The Spring Sun



Current Standing | 2009 | 60 * 90 cm

جاری جاوید | ۱۳۸۸ | ۹۰ * ۶۰ سانتیمتر

از بوی خوش پیرھنت فهمیدم
از طرز نگاه کردنت فهمیدم
تعبیر «تو مرد خانه‌ام هستی» را
از جای گلوله بر تننت فهمیدم

صالح نمازی زاده

I got to know from the fragrant smell of your garment
I understood from the way you looked
I mean «I'm the man of the house»
The trace of the wound in your body made me understood

Saleh Namazi Zadeh



The Spring Sun



The scent of red roses | 2009 | 84 * 60 cm

عطر گل‌های سرخ | ۱۳۸۸ * ۸۴ * ۶۰ سانتیمتر

در معرکه پای پایداری بگذار
پا در گذر حادثه، باری بگذار
هان تیغ مکش برون و در سینه‌ی خصم
این لحظه به رسم یادگاری بگذار

سهیل محمودی

*on the battlefield be sustainable
Feet over the incident, place
Do not draw the blade, hold on to your anger
Let this moment to draw a souvenir*

Soheil Mahmoudi



The Spring Sun



Victorious | 2008 | 114 * 80 cm

پیروز | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

همراه نسیم ره به کویش بردند
دل را چو نظر به جست و جویش بردند
سر باخته و به ارمغان همچون گل
یک پیکر غرق خون به سویش بردند

سلمان هراتی

With the breeze on the way, took him to the mountain
The heart like the sight gone for search
The lost head as a gift like a flower
A body immersed in the blood was taken to his direction

Salman Herati



The Spring Sun



The spring of blood | 2009 | 60 * 90 cm

بهار خون | ۱۳۸۸ | ۹۰ * ۶۰ سانتیمتر

از خاک هوای بردمیدن دارم
تا عرش خیال پرکشیدن دارم
پروانه صفت به گرد شمع رخ یار
امشب هوس به خون تپیدن دارم

سعید بیابانکی

I'm blowing the dust of the air
To pull out my fantasy throne
Attribute permits to place candles around sweetheart
Tonight I have a desire to beat blood

Saeed Byabanky



The Spring Sun



Bodiless | 2009 | 90 * 60 cm

بی تن | ۱۳۸۸ | ۹۰ * ۶۰ سانتیمتر

می گفت لباس عشق عطر آگین است
یعنی که عبور از آسمان رنگین است
با این همه، عاشقان! خدا می داند
داغ شهدا برای ما سنگین است

افسانه نوری

He said the garment of love is perfumed
It is a rainbow crossing the sky
However, lovers, God knows
Martyrs for us is a heavy burden

Afsaneh Noori



The Spring Sun



The white face and red breast | 2009 | 60 * 80 cm

روی سپید و سینه سرخ | ۱۳۸۸ | ۸۰ * ۶۰ سانتیمتر

هر برگ کز آن لاله‌ی پرپر مانده‌است
عکسی است که بر آب شناور مانده‌است
پرواز فراموش شد و بال شکست
در یاد فقط طرح کبوتر مانده‌است

داوود نوروزی

Each leaf of the tulip torn apart which remains
That picture has been floating on the water
Forget the flying wing was failure
In the memories is only left a pigeon

Davoud Norouzi



The Spring Sun



Flight of the heart | 2009 | 86* 60 cm

پرواز دل | ۱۳۸۸ | ۸۶ * ۶۰ سانتیمتر

در پهنه‌ی آفتاب گلپوش شدند
در وادی عاشقی عطش‌نوش شدند
یاران شهید در سراپرده‌ی خاک
مانند بهار لاله بردوش شدند

ایرج قنبری

*in the vast zone of the sun, they were covered with flowers
in the valley of love were great thirst
fellow martyr in the soil behind
Like spring tulips were burdened*

Ghanbari, Iraj



The Spring Sun



Your place just the sky | 2008 | 80 * 120 cm

جای تو آسمان | ۱۳۸۷ | ۸۰ * ۱۲۰ سانتیمتر

گفتم که سرت؟ گفت: سپردیم به دوست
گفتم که دلت؟ گفت: دلم همراه اوست
در خلوت خونین شفق پرزد و گفت
«جان دادن و پیمان نشکستن نیکوست»

حبیب /... بخشوده

I said that head? Said saved to a friend
I told your heart? Told me it's with him
In the solitude of dawn, he flew and said
giving life is worth keeping the pledge

Habib Allah Bakshoudeh



The Spring Sun



The last dangle | 2009 | 88 * 58 cm

آخرين آويز | ۱۳۸۸ | ۵۸ * ۸۸ سانتيمتر

این داغ برای دل من بسیار است
فهمیدن راز لاله‌ها دشوار است
از شیوه‌ی انتخاب در چیدن‌شان
پیدا است که دست دیگری در کار است

محمد رضا ترکی

This burden It is too heavy for me
the mystery of the tulips are difficult to understand
The method of choice in picking them
make it clear other hand implies that

Mohammad Reza Turki



The Spring Sun



In your remembrance | 2009 | 88 * 60 cm

در یاد تو | ۱۳۸۸ | ۸۸ * ۶۰ سانتیمتر

سبزیم و شکوه سرو در قامت مان
سرخیم و حضور لاله ها آیت مان
برتن کفن است و باد از وادی عشق
گلبوسه زند به گونه ی رایت مان
پرویز بیگی حبیب آبادی

Green and majestic cypress, alike
We are red and the presence of the Tulips
The wind from the valley is shrouded in love -
The flowers kisses our face softly

Parviz Beigi Habibabdi



The Spring Sun



Majestic cypress | 2009 | 82 * 60 cm

شکوه سرو | ۱۳۸۸ | ۸۲ * ۶۰ سانتیمتر

پرہا کہ قنوت خواندن او بودند
از خاک شدند، آسمان جو بودند
پرواز فقط به نام آنها ثبت است
آنان ہمہی عمر پرستو بودند

علی داوودی

Feathers that he had read from his prayer
become soil, searching the sky
The flight is only to register their names
They were all spiral in life

Ali Davoudi



The Spring Sun



light feather | 2008 | 80*114 cm

سبک بال | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

ما در دل خاک، کهکشان می جوییم
معراج رفیع عارفان می جوییم
گنجینه‌ی عزت جهان می جوییم
خمخانه‌ی عشق جاودان می جوییم

نصرت الله دره‌باغی

We search in land, galaxis
Looking for our gnostics who ascended
Finding the treasure box of glory
The eternal tempal of love.

Nosrat-Allah Darbagi



The Spring Sun



The Image of the love tomb | 2009 | 60 * 90 cm

تصویری از مزار عاشق | ۱۳۸۸ | ۶۰ * ۹۰ سانتیمتر

در عشق نمی توان زبان بازی کرد
می باید ایستاد، جان بازی کرد
از خون شهید شرم تان باد، مگر
با حرمت لاله می توان بازی کرد

علیرضا قزوه

In the language of love cannot be played
You should stand and play your life
Blood of the martyr, make us ashamed unless
Tulips are played with dignity

Ali Reza Ghazveh



The Spring Sun



Sympathetic | 2009 | 88 * 55 cm

جان دادن او کنایه‌ی یأس نبود
با او اثری ز سایه‌ی یأس نبود
آن لحظه که جان در گرو عشق نبود
در سوره‌ی چشمش آیه‌ی یأس نبود
عبدالجبار کاکایی

His allusion was not of disappointment
The work he did was not of desperate shadow
the moment that life does not depends of love
The eye chapter looked not disappointed

Abduljabar Kakaie



The Spring Sun



Silent moaning | 2009 | 60 * 80 cm

نالهای خاموش | ۱۳۸۸ | ۸۰ * ۶۰ سانتیمتر

اینان که دلیرانه ز سر می گذرند
پر شور ز معبر خطر می گذرند
تا طی شود این غبار و تاریکی شب
از کوچه‌ی خون‌رنگ سحر می گذرند

صادق رحمانیان

They are the brave putting at risk their head
The dangerous passage of sensational pass
To be within the dust and darkness of the night
The tiny alley of blood, color of dawn passes through

Sadeg Rahmanian



The Spring Sun



Agony of Separation | 2008 | 80 * 114 cm

داغ هجران | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

اینجا شاید، ولی نه! در آنجا
شاید پایین، ولی نه! بر بالایید
باری، غم غربت شما ما را کشت
مانند مزار حضرت زهرا یید

مرتضی امیری اسفندقه

Here, perhaps, but not! You are there
May be down, but not! You are high
by the way the sorrow of your exile killed us
You are Just like the tomb of her eminent ZAHRA*

Morteza Amiri Esfandaghe



The Spring Sun



Maternal Blood | 2008 | 114 * 80 cm

مادر خون | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

ای دست تو سازنده‌ی دل‌های بزرگ
ای عشق، نوازنده‌ی دل‌های بزرگ
من منتظرم تو را، که تشریف غمت
زخمی است برازنده‌ی دل‌های بزرگ

سید حسن حسینی

I just lost a great creator
the love, the heart of the great musician
I'm waiting for you, cause being your agony
is graceful for great hearts

Seyyed Hassan Hosseyni



The Spring Sun



Cypress tree of blood | 2008 | 114 * 80 cm

سرو از خون | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

در اوج سکوت، بوی آشوب رسید
پیغام زلال تان به محبوب رسید
چون یوسف دل شکسته رفتید، ولی
پیراهن تان به دست یعقوب رسید

هادی فردوسی

In the midst of silence, the smell of chaos reached
Your beloved got your clear message
Like the heart broken Joseph, you are gone,
But Jacob received your garment

Hadi Ferdowssi



The Spring Sun



Like the heart broken Joseph | 2008 | 114*80 cm

چون یوسف دل شکسته | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

این خاک پر از شور و پر از احساس است
عشق و گل و لاله و شمیم یاس است
یک کرب و بلا پر از حضور شهدا
سرتاسر این دشت پر از عباس است
علی اخوان ارمکی

This soil is full of enthusiasm and full of feeling
Love and roses and tulips, and jasmine fragrance
A Karbala and a hand full of the Martyrs
Over the plain is full of ABBAS*

**Abolfazl Abbas, is the step brother of Imam Hosseyn and the great hero of the Karbala tragedy, who become a legendary symbol of righteousness, bravery.*

Ali Akhavan Armak



The Spring Sun



Red fantastic | 2008 | 114 * 80 cm

معرکه‌ی سرخ | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

جاری به لب تو بود آواز جنون
سرشار، دل تو بود از راز جنون
در فرصت عاشقی تماشایی بود
پرواز تو از پنجره‌ی باز جنون

شعبان کرم دخت

This song of madness on my lips.
Your heart rich, of the secret heart of madness
It was a spectacular opportunity to love
Flying through the open window, a game of madness

Shaban Karam Dokt



The Spring Sun



Ascension in blood | 2008 | 114 * 80 cm

عروج خون | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

یارب مددی که گرم پا بگذارم
هر آنچه نبردنی است جا بگذارم
آن دم که گلویم العطش می خواند
رخساره به خاک کربلا بگذارم

سعاد باقری

Oh, Lord help me to step with dignity
Leaving behind all what I should not take
the time t my throat call for thirst
put my face on the soil of Karbala

Saed Bagheri



The Spring Sun



Planted with blood | 2008 | 120* 80 cm

به خون کاشتیم | ۱۳۸۷ | ۱۲۰ * ۸۰ سانتیمتر

خورشید اگر چه سوگوارت مانده
صد قافله نور از تبارت مانده
هرچند که رفته‌ای، ولی یاس شهید
قرآن و پلاک یادگارت مانده

معصومه مه‌ری

Although the sun still lamenting for you
A hundred caravans of the light of your kind
Overall though you are gone, but the Jasmine of martyr
The holy Quran and your Id, are your souvenirs left

Massoumeh Mehri



The Spring Sun



From You | 2008 | 80*114

از تو | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

آن‌ها که سکوت‌شان صدا شد، رفتند
آن‌ها که فروزشان فرا شد، رفتند
آن‌ها که صغیر سبز روحانی‌شان
هنگامه‌ی سرخ کربلا شد رفتند

مصطفی خلیل‌فر

It was the sound of the silence, gone
It was learned the descending are gone too
That they are the spiritual green whistle
Red was the uproar went to Karbala

Mostafa Khalilfar



56

The Spring Sun



Blood Sunset goes | 2009 | 80 * 59 cm

راهیان غروب خون | ۱۳۸۸ * ۸۰ سانتیمتر

گردن به تنم ذوق تپیدن دارد
در باغ وطن سر رسیدن دارد
با خرقه‌ی خون ز خاک برخاسته است
کو آن که هوای لاله چیدن دارد
شعبانعلی یازلو (شبنم)

I was at the height of the smell of chaos
The clear message of your favorite
Youssef, because they're heartbroken, but
Jacob came to your shirt

Shaqban Ali Yazarlou



58

۵۸

The Spring Sun



to the wing and the Tulip | 2008 | 114 * 80 cm

عروج گلبرگها | ۱۳۸۷ | ۱۱۴ * ۸۰ سانتیمتر

آن لاله رخان خفته در سایه‌ی آب
همخانه‌ی آتش‌اند و همسایه‌ی آب
تعبیر شکفتن‌اند در دفتر خاک
تفسیر تموج‌اند از آیه‌ی آب
علی هوشمند

Sleeping in the shadow of the tulips water
Roommates and neighbors of fire and water
are interpreted in the burst Office Soil
interpretation of the Verses Water

Ali Houshmand



The Spring Sun



Embracing the blood | 2009 | 60 * 90 cm

آن عاشق فرزانه که دوشش بردند
آهسته و آرام و خموشش بردند
تا دست به دست یار جانانه دهند
تا حجله‌ی گور، روی دوشش بردند
عباس براتی پور

That wise lover who was carried away
Slow and relaxed and taken silently
assistant rattling up their hands
Taken to the chamber, over the shoulders

Abbas Barati/Pour



62

The Spring Sun



No coffin | 2009 | 60 * 80 cm

ای سرو، چو پید سرخ مجنون از خاک
مگذار که فواره زند خون از خاک
آن قدر که پای عابری گیر کند
انگشت مرا بکار بیرون از خاک

امید رسولی

The red Cedar, like a mad man from dust
do not allow the fountain of his blood come from the soil
So that the foot of pedestrian is stuck
Used my finger out of the soil

Omid Rasouli



The Spring Sun



Overtum Cedar | 2005 | 90 * 60 cm

سرود واگنون | ۱۳۸۴ | ۹۰ * ۶۰ سانتیمتر

می‌رفت و می‌گفت که می‌آیم زود
آن آبی بی‌ک‌رانه‌ی نامحدود
برگشت ولی میان تابوت سبک
جز عطر تن و پیرهنش هیچ نبود

فاطمه نانی زاد

He was gone and said,
He would come soon
The Bank of Blue Unlimited
But back to the coffin style
except the perfume of his wearing, there was nothing

Fatima Nani Zad



66

The Spring Sun



Kingdom travel | 2009 | 78 * 58 cm

رہسپار ملکوت | ۱۳۸۸ * ۷۸ سانتیمتر

با زمزمه‌ی دو چشم ما برمی‌گشت
با بال شکسته بی صدا برمی‌گشت
از کوچه‌ی بالایی ما بود که رفت
با دامن از عطر خدا برمی‌گشت
هوشنگ حبیبی بسطامی

with our eyes would whisper
with broken wings are silent on Patrol
We went to the top of the alley
Returning, with the fragrance of God

Houshang Habibi Bastami



The Spring Sun



چون آتش و خون، سسرخ بر آمد خورشید
شرمند شد از خون جوانان رشید
چون لاله، فرو شکست و پژمرد، که دید
از هر قطره، هزار خورشید دمید
فریدون مشیری

Because of fire and blood, the red sun was
Rashid was ashamed of young blood
Like tulips, and broke down Pzhmrd, the vision
Every drop of sun blew

Fereydoon Moshiri



70

The Spring Sun



The homeland air | 2009 | 80 * 120 cm

پر پیگر زخمیات خدا آمده بود
باران ستاره بی صدا آمده بود
پر گستره‌ی خاک تو ای تازه شهید
یک مزرعه لاله از کجا آمده بود؟!

ناهید یوسفی

God visited your injured body,
The Rain of stars came calmly,
spread around you the new Martyred
Where was a tulip field came from?

Nahid Yousefi



72

۷۲

The Spring Sun



On the wings of the angels | 2008 | 80*114 cm

بر بال فرشتگان | ۱۳۸۷ | ۸۰ سانتیمتر

مردی که طهور عشق در ساغر داشت
آیات شعور و نور در باور داشت
جان سوخت که شور عاشقی در دل بود
سر باخت که سر عاشقی در سر داشت

حمید سبزواری

A man purified in the chalice of love
His enlighten manifested in belief
Life burned in his loving heart
The head lost for the cause love

Hamid Sabzevari



74



۷۴

The Spring Sun



Tragedy | 2009 | 60*88 cm

در حسرت کوی کربلا می رفتند
مشتاق به بوی کربلا می رفتند
گلگون تن و خونین کفن و بی پروبال
این گونه به سوی کربلا می رفتند

علی مرادی غیاث آبادی

with joy on the way to Karbala
eager to the the fragrance of Karbala
Bloody corps, bloody shroud, as simple as the word is
Rosy tone and bloody feathers and wings shrouded Web
They went to Karbala like this.

Ali Moradi- Ghiasabadi



The Spring Sun



THE SPRING SUN

A Collection of Holy Defense Miniature

Enjoying the poetry of war

Compilation by **Mahdi Farrokhi**



Prepared by the Department of Art
Foundation for the Preservation and Publication of Sacred Defense

Shahid Behešti Ave. Shahis Sarafrase St. NO.18 Shashid Hagh-parasht, 3rd Floor
Tehran-Iran

Tel: +9821 88528905 +9821 88748417

In the name of

GOD